نمایشنامه‌خوانی رامین پرچمی با میترا حجار، خاطره اسدی و حامد کمیلی

رامین پرچمی دوباره به صحنه هنر باز می‌گردد

بعضی از هنرمندان تئاتر و سینما تصمیم گرفته‌اند به رامین پرچمی، بازیگری که مدتی است حضورش کمرنگ شده، زندگی دوباره‌ای ببخشند.

به گزارش ایسنا، بسیاری از متولدان دهه ۵۰ و ۶۰ بازی رامین پرچمی را در چندین اثر خاطره‌ساز به یاد دارند اما او هم مانند بسیاری از همکاران خود، کم‌توجهی و بی‌رحمی فضای هنری را تجربه کرده و این چنین است که چند سالی است حضورش کمرنگ بوده و گاهی هم به دلیل بعضی مشکلات از جمله مشکلات مالی، طعم زندان را هم چشیده است. چنین وضعیتی طبیعتا حال خوشی برای آن بازیگر باقی نمی‌گذارد و همین احوال ناخوشایندِ رامین پرچمی سبب شد بعضی از دوستانِ و همکارانش آستین بالا بزنند و برای همراهی با دوستشان، یک جلسه نمایشنامه‌خوانی ترتیب بدهند.

آنها نمایشنامه مشهور «چه کسی از ویرجینا وولف می‌ترسد» نوشته ادوارد آلبی را انتخاب کردند که قرار است روز ۲۲ آبان ماه نمایشنامه‌خوانی شود.

مهتا محدث کارگردان این جلسه نمایشنامه‌خوانی در این باره به ایسنا می‌گوید:

ما برای بهتر شدن حال رامین پرچمی عزیز ، این جلسه نمایشنامه‌خوانی را برگزار می‌کنیم. این نمایشنامه با دقت و وسواس زیادی انتخاب شد و قرار است به همت هنرمندان و به صورت همت عالی روخوانی شود.

او ادامه می‌دهد: برای برگزاری این برنامه با دوستان بسیاری تماس گرفتیم که در این کار همراه ما باشند ولی خیلی از آنان از کار و گرفتاری‌های خود سخن گفتند و دعوت ما را نپذیرفتند اما دوستانی مانند خانم‌ها میترا حجار و خاطره اسدی و آقای حامد کمیلی به گرمی هر چه تمام‌تر پیشنهاد همکاری با این برنامه را پذیرفتند و نقش‌خوانی این جلسه نمایشنامه‌خوانی را بر عهده گرفتند.

محدث تاکید می‌کند: بزرگ‌ترین هدف ما بازگشت دوباره رامین پرچمی عزیز به فضای کار هنری است. به همین دلیل تعداد زیادی از دوستان کارگردان را هم دعوت کرده‌ایم تا بار دیگر شاهد بازی او باشند. ایشان در این نمایشنامه‌خوانی نقش «نیک» را می‌خواند و بسیار مسلط است. حیف است از کنار چنین استعدادی بی‌تفاوت بگذریم.

او که امیدوار است این برنامه زندگی دوباره‌ای به رامین پرچمی بدهد، اضافه می‌کند: هرچند بسیاری از همکاران برای همکاری با این نمایشنامه‌خوانی به ما پاسخ منفی دادند اما دوستانی که پیشنهاد ما را پذیرفتند، بسیار همدلانه و بدون کوچک‌ترین چشمداشتی آمدند و حالا همه چیز به شکل گروهی اتفاق می‌افتد که تجربه بسیار شیرینی است.

محدث می‌گوید: فضای کار هنری سختی‌های زیادی دارد و گاهی هنرمندان در این سختی‌ها به فراموشی سپرده می‌شوند ولی چه خوب است که همیشه برای کمک به یکدیگر پیشقدم شویم و کنار هم بایستیم و حال بد یکدیگر را به احوالی خوش تبدیل کنیم، همچنانکه رامین پرچمی هم بعد از حضور در تمرین‌های این نمایشنامه‌خوانی، حالش خیلی بهتر شده است. به گزارش ایسنا، نمایشنامه «چه کسی از ویرجینا وولف می‌ترسد» نوشته ادوارد آلبی با ترجمه سیامک گلشیری و کارگردانی مهتا محدث روز ۲۲ آبان ماه در دو نوبت ۱۸ و ۲۰ با همکاری سالن شهرزاد و در این سالن روخوانی می‌شود. میترا حجار، خاطره اسدی، حامد کمیلی در کنار رامین پرچمی، خوانش نقش‌های این نمایشنامه را بر عهده دارند.

نامزدهای جوایز فیلم اروپا ۲۰۲۱ معرفی شدند

جوایز فیلم اروپا نامزدهای سال ۲۰۲۱ خود را با حضور فیلم‌های برنده جشنواره کن و امیدوار به اسکار اعلام کرد. به گزارش ایسنا، سه فیلم برگزیده جشنواره کن شامل «تیتان» ساخته «جولیا دوکورنو»، «دست خدا» به کارگردانی «پائولو سورنتینو» و «کوپه شماره ۶» از «یوهو کاسمانن» به همراه «پدر» ساخته «فلورین زلر» و «کجا بودی آیدا؟» ساخته «جاسمیلا زبانیچ» در شاخه بهترین فیلم جوایز سینمایی اروپا رقابت خواهند کرد. در شاخه بهترین کارگردانی نیز «جولیا دوکورنو»، «پائولو سورنتینو»، «فلورین زلر»، «یاسمیلا زبانیچ» و «رادو ژوده» برای فیلم برنده خرس طلای برلین «رابطه نافرجام» به عنوان نامزد معرفی شده‌اند. «فرار»، «آنه فرانک کجاست؟» و «وولف واکرز» در شاخه بهترین انیمیشن و «بابی یار»، «آقای باخمن و کلاسش» و «زیباترین پسر دنیا» هم در شاخه مستند رقابت خواهند کرد. همچنین «آنتونی هاپکینز» (پدر)، «یوری بوریسوف» (کوپه شماره ۶)، «وینسنت لیندون» (تیتان)، «طاهر رحیم» (موریتانیایی) و «فرانز راگوفسکی» (آزادی بزرگ) در شاخه بهترین بازیگر مرد جوایز فیلم اروپا و «یسنا دوریجیچ» (کجا بودی آیدا؟)، «سبدی هارلا» (کوپه شماره ۶)، «کری مولیگان» (زن جوان خوش آتیه)، «رنت رینسیو» (بدترین آدم دنیا) و «آگاته راسل» (تیتان) هم در شاخه بهترین بازیگر زن نامزد کسب جایزه هستند. مراسم اعطای جوایز اروپا در سال ۲۰۲۱ در تاریخ ۱۱ دسامبر (۲۰ آذر) در شعر برلین برگزار می‌شود.

بازخوانی گفت‌وگو با نیکو خردمند به مناسبت زادروزش

کوتاهی و بلندی نقش برایم مهم نبود

نیکو خردمند گفت: هیچ وقت در سینما و تلویزیون کوتاهی و بلندی نقش و اینکه اسمم کجا باشد برایم خیلی مهم نبود. زمانیکه با بهمن فرمان آرا درباره نقش در فیلم «خاک آشنا» صحبت کردیم، خیلی خوشحال شدم هم برای همکاری با فرمان آرا و هم برای نقشم زیرا بسیار متفاوت بود؛ زنی که صاحب نمایشگاه نقاشی بود.

موزه سینمای ایران در ادامه انتشار سلسله نشست‌های تاریخ شفاهی خود به مناسبت زادروز زنده یاد «نیکو خردمند» بازیگر و دوبلور سینما و تلویزیون، بخش‌هایی از گفتگو با این هنرمند را که در سال ۱۳۸۷ انجام داده را منتشر کرده است که در زیر می‌خوانید.

به گزارش ایسنا به نقل از روابط عمومی موزه سینما، نیکو خردمند با بیان اینکه سال ۱۳۱۱ در پامنار به دنیا آمده است، گفت: پدر و عموی کوچکم هردو علاقه مند به تئاتر و سینما و از بنیانگذاران تئاتر در ایران بودند. تمامی فیلم‌هایی که برای نمایش به ایران می‌آمدند، پدرم جز اولین مخاطبانی بود که آنها را می‌دید.

وی ادامه داد: هنوز دیپلم نگرفته بودم که به میدان ارگ اداره رادیو رفتم و به مدیر آنجا که آقای بزرگمهر بود، گفتم می‌خواهم گوینده شوم و بعد از صحبت و تست گرفتن گوینده شدم . البته در ابتدا به من می‌گفتند که فقط ساعت بگویم و دیالوگش هم یادم است که باید می‌گفتم« اینجا تهران است» خردمند با بیان اینکه در خانواده ما سینما اهمیت زیادی داشته است، خاطرنشان کرد: یکی از کارهای ضروری که ما همیشه انجام می‌دادیم و ضروری بود رفتن به سینما با خانواده بود و علاقمندی من از دوبله با دیدن فیلم‌ها از کودکی شروع شد؛ از دوبله ای که برای شخصیت‌های خارجی فیلم‌ها انجام می‌شد.

وی همچنین گفت: حتی الان که بیشتر بازیگر هستم تا دوبلور باز هم گویندگی را ترجیح می‌دهم. یکی از فیلم‌هایی که در آن دوبلور بودم و همیشه در خاطرم مانده است فیلم «ناگهان تابستان» بود که به جای الیزابت تایلور صحبت کردم. در آن زمان خیلی تجهیزات حرفه ای دوبله وجود نداشت و کار ما سخت بود به عطور مثال، زمانیکه جمله یا کلمه‌ای را اشتباه می‌گفتیم باید دوباره از ابتدا شروع به گفتن می‌کردیم.

خردمند با اشاره به اینکه اولین کارم در سینما با واروژ کریم مسیحی بوده است ادامه داد: اولین فیلمم در بازیگری «پرده آخر» بود که برای آن نقش جایزه هم گرفتم. یادم می‌آید که فیلمبرداری آن طولانی شد و کریم مسیحی برای رساندن به جشنواره فشرده کار می‌کرد.

وی درباره فعالیت‌های تلویزیونی خود نیز خاطرنشان کرد: سریال‌های «آوای فاخته»، «آژانس دوستی» و «آپارتمان» را خیلی دوست دارم و در زمانیکه این سریال‌ها پخش می‌شدند، طرفداران زیادی داشتند.

خردمند درباره حضورش در فیلم «مسافران» نیز گفت: خوشحالم از اینکه مخاطبان واقعی سینما بازی من در مسافران با اینکه کوتاه بود را بسیار پسندیدند.

وی یادآور شد: هیچ وقت در سینما و تلویزیون کوتاهی و بلندی نقش و اینکه اسمم کجا باشد برایم خیلی مهم نبود. زمانیکه با بهمن فرمان آرا درباره نقش در فیلم «خاک آشنا» صحبت کردیم، خیلی خوشحال شدم هم برای همکاری با فرمان آرا و هم برای نقشم زیرا بسیار متفاوت بود؛ زنی که صاحب نمایشگاه نقاشی بود.

خردمند درباره خواهرش آهو نیز گفت: آهو مثل دختر من است و به جز زندگی خودش زمانی زیادی هم برای من می‌گذارد و حتی درباره فعالیت‌های هنریمان باهم مشورت می‌کنیم. وی در پایان گفت: از مردم خیلی تشکر می‌کنم و همیشه دوستشان دارم، زیرا همیشه به من لطف دارند.

این هنرمند پیشکسوت برنده سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل زن برای فیلم «پرده آخر» در نهمین جشنواره فیلم فجر در سال ۱۳۶۹و برنده سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل زن برای فیلم «بازیچه» در دوازدهمین جشنواره فیلم فجر در سال ۱۳۷۲ شده بود.

حسین‌پور از نمایشگاه «کم‌کم درخت می‌شوم» در گالری اُ می‌گوید

روایت انسان دربند

نمایشگاه نقاشی پارسا حسین‌پور با عنوان «کم‌کم درخت می‌شوم» در گالری اُ برگزار شد. حسین‌پور در گفت و گو با هنرآنلاین با بیان اینکه ۱۲ تابلو با تکنیک رنگ روغن در این مجموعه به نمایش درآمد، گفت: من به درختان علاقه زیادی دارم و خیلی به آن‌ها فکر می‌کردم. تفاوت میان درختان و انسان‌ها برایم جالب بود. به نظر من اگرچه درختان در زمین گیر کرده‌اند اما به نظر می‌رسد که آزاد هستند و زمانی که رشد می‌کنند در فضا حرکت دارند. اما انسان با وجود اینکه آزاد است و می‌تواند همه جا برود اما دربند است و محدودیت‌های زیادی دارد.

حسین پور ادامه داد: من همیشه از روی مدل کار می‌کردم اما این بار خودم را محک زدم تا ببینم ذهنی کار کردن چه نتیجه‌ای دارد. در این مجموعه همه فیگورها به جز یکی از آن‌ها ذهنی هستند و از این نظر تجربه جدیدی در این مجموعه برایم رخ داد.

درگیر اتود زدن نبودم و دقیقاً نمی‌دانستم که چه چیزی می‌خواهم بکشم. خودم را در جریان کار انداخته و تنها به ترکیب‌بندی فکر می‌کردم. حتی بارها آنچه کشیده بودم را تخریب کرده و مجدداً از ابتدا کار می‌کردم. در تمام این مدت تنها به کند و کاو در خود پرداختم و درگیر این نبودم که موضوع کارم چیست و چه تکنیکی باید برای آن انتخاب کنم.

این هنرمند افزود: همه ما آدم‌هایی را دیده‌ایم که اغلب در خود فرو می‌روند و به تفکر می‌پردازند. این افراد برایم جالب هستند و در تابلوهایم نیز چنین آدم‌هایی دیده می‌شوند. آن‌ها توجهی به اطراف خود ندارند و اگرچه فضای شاعرانه‌ای در اطراف آن‌ها وجود دارد اما آدم‌ها غرق در خودشان هستند.

او با اشاره به رنگ‌های به کار رفته در این تابلوها گفت: پیش از این در کارهای خود از رنگ‌های مکمل زیاد استفاده می‌کردم و رنگ‌هایم شاد و زنده بودند. اما در این مجموعه تصمیم گرفتم پالت رنگی را محدود کرده و با استفاده از این رنگ‌ها هارمونی ایجاد کنم. این کارها یک ساختارشکنی درون خودم بود که باعث شد خود را محک بزنم و چیزهای زیادی یاد بگیرم. در نهایت عقیده دارم صحبت کردن درباره اثر هنری آن را محدود می‌کند. نظر مخاطب برایم با ارزش است و فکر می‌کنم هر بیننده می‌تواند برداشتی از یک اثر داشته باشد که درست است.

گفت‌وگو با حسن نقاشی، مستندساز

«دبستان پارسی» روایتی از تلاش برای به ارمغان آوردن علم است

حسن نقاشی با بیان اینکه پس از شش سال تلاش مستند «دبستان پارسی» را آماده کرده، گفت: جشنواره سینماحقیقت به معنی ما و باورهایمان است. چرا که باتوجه به مشکل اکران در سینمای مستند، هر سال برای باور خود تلاش می‌کنیم تا مستندی بسازیم و آن را برای مخاطبان به نمایش بگذاریم. به گزارش هنر آنلاین، حسن نقاشی مستندساز درباره آخرین فعالیت‌های خود گفت: امسال پس از شش سال تلاش بالاخره مستند «دبستان پارسی» را آماده کردم و برای جشنواره سینماحقیقت نیز فرستادم. این مستند حاصل چند سال کار کردن روی مدارس نوین یزد است. اینکه در دوران قاجار به ویژه بعد از ناصرالدین شاه آن عده‌ای که در خارج از ایران علم را آموختند و تصمیم می‌گیرند به شهرهای خودشان برگردند. این اتفاق از جمله در شهر یزد رخ می‌دهد و عده‌ای تلاش می‌کنند مدارسی دایر کنند تا پایه‌ریزی علمی و تفکری که امروز به آن دبستان و دبیرستان می‌گوییم داشته باشیم.

وی ادامه داد: این اتفاق با واکنش‌هایی از جامعه سنتی روبه رو می‌شود و این کشمکش نزدیک به یک قرن طول می‌کشد. این مدارس که هنوز هم از آن استفاده می‌شود قدمت نزدیک به صدو چهل/ پنجاه سال دارند که در کشمکش و التهاب آن دوران که تلاش می‌شد علم در ایران فراگیر شود، پابرجا ماندند. من در این مستند به تاریخچه این مدارس که به مدارس پارسی معروف است پرداختم و امیدوارم با بازخوردهای خوبی از طرف مخاطبان مواجه شود.

این مستندساز باتوجه به نزدیکی برگزاری پانزدهمین جشنواره سینما حقیقت درباره اهمیت این رویداد سینمای مستند بیان کرد: اکنون در سینمای مستند و جشنواره سینما حقیقت به دوران پختگی رسیدیم. چراکه هر ساله توقعمان نسبت به شرایط جشنواره در سال گذشته بالاتر رفته و همین موضوع سبب شده تلاش بیشتری کنیم تا این رویداد به لحاظ کیفی کامل‌تر شده و جشنواره‌ای درخور داشته باشیم. در کل به عنوان مستندساز می‌توانم به صورت خلاصه بگویم این جشنواره به معنی ما و باورهایمان است. کارگردان مستند «مهرا» افزود: ما یک‌سری باور داریم که در مورد آن فیلم ساختیم؛ در واقع سرمایه‌گذاری صورت گرفته و اکنون قرار است باورهای ما برای مخاطب نمایش داده شود.

حمیدرضا شاه‌آبادی عنوان کرد

علاقه نوجوانان به رمان تاریخی

حمیدرضا شاه‌آبادی از اتمام نوشتن رمان تاریخی جدیدی برای نوجونان با عنوان «عروسک‌باز» خبر داد و گفت: نوجوانان شاید از داستان‌هایی که در فضای معاصر می‌گذرد آن‌قدر لذت نمی‌برند که از داستانی که در دوره تاریخی رخ می‌دهد، استفاده می‌کنند.

این نویسنده ادبیات کودک و نوجوان در گفت‌وگو با ایسنا اظهار کرد: این رمان هم مانند «دروازه مردگان» در دوران قاجار می‌گذرد، منتها تصور می‌کنم روایت سرراست‌تری نسبت به آن دارد، هرچند موضوعاتی که مطرح می‌کند شاید موضوعات عمیق‌تری باشد؛ این رمان داستان یک گروه تقلیدچی است، کسانی که در دوره قاجار به اجرای نمایش‌های سنتی ایرانی در مکان‌های مختلف می‌پرداختند.

او در ادامه درباره نگارش رمان تاریخی برای نوجوانان گفت: اولین‌بار این تجربه را در «لالایی برای دختر مرده» داشتم. زمانی که این کار را انجام می‌دادم تردید داشتم که آیا رمان تاریخی در فضای نوجوانانه پذیرفته می‌شود یا نه. زمانی که کتاب منتشر شد، مورد استقبال قرار گرفت و با گذشت ۱۵ سال همچنان تجدید چاپ می‌شود. اما همچنان این سوال که «رمان تاریخی توسط نوجوانان پذیرفته می‌شود یا نه؟» برایم باقی بود. خب «لالایی برای دختر مرده» مخاطب خاص فرهیخته را درنظر داشت اما «دروازه مردگان» دنبال مخاطب عام‌تری بود و می‌خواست گروه‌های بیشتری را به عنوان مخاطب خود انتخاب کند. و این تردید را داشتم که یک داستان فانتزی دوران قاجار برای خواننده‌های نوجوان پذیرفته شده است یا نه؟ خوشبختانه بازخوردهایی که داشت نشان داد نوجوانان خیلی از این نوع داستان خوش‌شان می‌آید، شاید از داستان‌هایی که در فضای معاصر می‌گذرد آن‌قدر لذت نمی‌برند که از داستانی که در دوره تاریخی رخ می‌دهد، استفاده می‌کنند، حتی زمانی که بچه‌ها داستان را می‌خوانند، تماس می‌گیرند و می‌پرسند کتاب‌های دیگری در این زمینه هست یا کتاب دیگری مانند آن نوشته‌اید و سوالاتی از این دست که نشان می‌داد نوجوانان خیلی این زمینه را دوست دارند. در واقع می‌خواهند سراغ چیزهایی بروند که ندیده‌اند، نشناخته‌اند و با آن ارتباط نداشته‌اند. شاه‌آبادی سپس بیان کرد: واقعیت این است که آموزش تاریخ در کشور ما خیلی ضعیف است و روش‌های آموزش تاریخ بسیار ناکارآمد؛ همین باعث می‌شود نسل جوان علاقه زیادی به تاریخ نشان ندهد. اما بودن کتاب‌هایی که درسی نیستند و با زبانی متفاوت تاریخ را معرفی می‌کنند، جاذبه مطالعه تاریخ را بیشتر خواهند کرد. طی چندسالی که در این حوزه کار کرده‌ام به یک اطمینان صددرصدی رسیده‌ام. در فضایی کار می‌کنم که این فضا مخاطب‌پسند است و نه تنها مخاطب‌پسند است بلکه مخاطب به آن احساس نیاز هم می‌کند و به دنبال نوشته‌هایی است که بتواند سوالات تاریخی‌اش را جواب دهد. او درباره این کتاب و روند نوشتن آن توضیح داد: یک‌روز به این رباعی خیام فکر می‌کردم که «ما لُعبَتگانیم و فلک لُعبَت‌باز/ از روی حقیقتی نه از روی مَجاز / یک‌چند درین بساط بازی کردیم/ رفتیم به صندوقِ عدم یک‌یک باز!». این مفهوم فلسفی و نوع نگاهی که خَیام به زندگی ما آدم‌های روی زمین دارد برایم جالب بود. بعد به این فکر کردم که چه اتفاقی دارد می‌افتد؟ زمانی که یگ گروه در حال اجرای نمایش هستند در شرایطی قرار می‌گیرند و ممکن است یکی‌یکی اعضای خود را از دست بدهند. همین زمینه‌ای شد که رمان را در این فضا بنویسم. معمولا زمانی که رمان می‌نویسم، شروع کار و مضمون اصلی داستان را می‌دانم و داستان برایم کامل‌شده نیست. در حال نوشتن رمان، نکته‌هایی را این طرف و آن طرف دیدم و با کتاب‌های مختلف آشنا شدم؛ در کتاب «جغرافیای اصفهان» نوشته میرزا حسین‌خان به واقعه‌ای در زمان محمدشاه اشاره شده و این واقعه را بهرام بیضایی در نمایش «در ایران» مورد اشاره قرار داده بود که این‌ها داستان من را کامل‌تر کردند، تلاش کردم داستانی خلق کنم که فضایی داشته باشد که خواننده‌ها به شکل عموم از آن لذت ببرند.

گفت‌وگو

گفت‌وگو با طلا نیکنام، مترجم

کتابی که به چاپ بیست و هفتم رسید!

طلا میرهادی‌زاده که در انتشارات مروارید به خانم نیکنام مشهور است سالها یکی از مدیران این انتشارات بوده است او اخیرا کتابی به نام معجزه انرژی انگشتان در شفابخشی دردها ترجمه و منتشر کرده است. کتابی که با استقبال خوانندگان به چاپ بیست و هفتم رسیده است. به همین بهانه با خانم طلا نیکنام گفت‌وگوی کوتاهی انجام داده‌ایم:

شما سی‌سال است که انتشارات مروارید کار می‌کنید. چه شد که به نشر مروارید رفتید و در آنجا چکار می‌کنید؟

همسر من مهندس نیکنام با سه شریک دیگر آقای مجید روشنگر، پرویز علی‌بیک و منوچهر حسن‌زاده از سال ۱۳۴۰ بدون هیچ‌گونه قرارداد رسمی، دست دوستی دادند و شروع به کار کردند و بدین ترتیب بود که فعالیت نشر مروارید آغاز شد.

البته هر چهار شریک در ادارات مختلفی کار می‌کردند و در واقع نشر، کار دوم آنها بود.

در سال هفتاد پس از فوت همسرم، توسط شرکا به نشر دعوت شدم و همکاری با آنها را شروع کردم. البته من قبلاً در یکی از ادارات به شغل مترجمی مشغول بودم. پس از مدتی خود نیز نشر فرهنگ تارا را به جریان انداختم که تارا نام یکی از دخترانم بود و پس از مدتی در دل مروارید جای گرفت. چندین کتاب ترجمه کردم ولی این کتاب معجزه‌ی انرژی انگشتان در مورد ماساژدرمانی نوشته‌ی خانم میلدرد کارتر به‌قدری مورد توجه قرار گرفت که هر چهار ماه یک بار با تیراژ دوهزارتایی به فروش می‌رفت و به چاپ مجدد می‌رسید و اکنون چاپ بیست‌وهفتم آن در جریان است. کارآیی عجیبی دارد و با روش‌های تعریف‌شده در این کتاب دردهای بدن تسکین می‌یابد.

کار انتشارات در ایران بسیار مشکل است. چگونه توانستید انتشارات را از مشکلات عبور مختلف عبور بدهید و تا امروز کار کنید؟

با در نظر گرفتن اینکه همگی با تمام وجود به دنبال تهیه بهترین کتاب‌ها از معروف‌ترین نویسندگان جهان بودیم، و کتاب‌ها را به دست باسوادترین مترجمین می‌سپردیم، کتاب‌ها با ترجمه خوب عرضه می‌شد و به چاپ‌های بالا می‌رسید. در مورد شاعران هم همان‌طور که آگاهی دارید، معروف‌ترین شاعران به سراغ مروارید آمده‌اند و کتاب‌ها بارها و بارها چاپ شده‌اند.

چه شد که به سمت ترجمه کتاب رفتید؟

رشته تحصیلی من ادبیات انگلیسی بوده و چند سالی نیز در انگلستان زندگی کرده‌ام. ضمناً مایل بودم با ترجمه این کتاب خدمتی به مردم کشورم کرده باشم.

بسیار خوشحال می‌شدم که این جمله را بارها و بارها از زبان افرادی که برای تشکر به من تلفن می‌کردند، می‌شنیدم و همیشه شاهد رضایت خوانندگان هستم.

عجیب است که کتاب با استقبال خوانندگان روبه رو شده؟

خانم میلدرد کارتر در امریکا خیلی مشهور است و با روش‌های خود، بسیاری را شفا داده، بنابراین مطالعه و استفاده از روش‌های ایشان را به عزیزانم توصیه می‌کنم.

آیا باز هم کتاب ترجمه می‌کنید؟

امیدوارم فرصت انجام این کار را پیدا کنم.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۰۶۰۳۲۹۰۲۱۰۰۰۲۰۸ مورخ ۱۴۰۰/۷/۱۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک سمنان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم فریبا ناظمیان فرزند نصرت به شماره شناسنامه ۳۳ صادره از سمنان در مقدار ۳ دانگ مشاع از ششدانگ یک باب دکان و طویله که به صورت زمین در آمده به مساحت ۴۶/۴۰ متر مربع پلاک ۰ فرعی از ۳۷۳۲ و۳۷۳۳ اصلی واقع در بخش یک سمنان خریداری از مالک رسمی صغری خانم ناظمیان با واسطه نوه خود نصرت ناظمیان محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۸/۴
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰/۸/۲۰

روانبخش قنبری - رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده

شرکت صدف سپید خراسان (سهامی خاص)

به شماره ثبت **۲۱۰۱۴** و شناسه ملی **۱۰۳۸۰۳۶۵۱۲۳**

بدین وسیله از کلیه سهامداران شرکت دعوت می‌گردد تا در جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده که ساعت **۱۰ صبح** مورخ **۱۴۰۰/۰۸/۳۰** به نشانی مشهد خیابان شهید بهشتی – خیابان رودکی ۵- پلاک ۱۱۹ – طبقه سوم برگزار می‌گردد حضور بهم رسانند.

دستور جلسه:

۱- انتخاب مدیران
۲- انتخاب بازرس
۳- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار

هیات مدیره شرکت

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۰۶۰۳۲۹۰۲۱۰۰۰۲۰۹ مورخ ۱۴۰۰/۷/۱۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک سمنان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم زهرا ناظمیان فرزند نصرت به شماره شناسنامه ۶۰۸ صادره از سمنان در مقدار ۳ دانگ مشاع از ششدانگ یکباب دکان و طویله که به صورت زمین درآمده به مساحت ۴۶/۴۰ متر مربع پلاک فرعی از ۳۷۳۲ و ۳۷۳۳ اصلی واقع در بخش یک سمنان خریداری از مالک رسمی، صغری خانم ناظمیان با واسطه نوه خود نصرت ناظمیان محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۸/۴سه‌شنبه - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰/۸/۲۰ پنج‌شنبه
شناسه: ۱۲۱۲۰۰۱

روانبخش قنبری - رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۰۶۰۳۲۹۰۲۱۰۰۰۲۰۷ مورخ ۱۴۰۰/۷/۱۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک سمنان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای عبدالحسین همتی فرزند علی محمد به شماره شناسنامه ۱۶۹۲ صادره از سمنان در مقدار ۱۳/۵سهم مشاع از کل ۴۷ سهم ششدانگ یک قطعه باغ مشجر به مساحت ۲۲۶۸ متر مربع پلاک ۰ فرعی از ۶۲۳۷ اصلی واقع در بخش یک سمنان خریداری از مالکان رسمی، آقایان تقی شاطری فرزند محمد کاظم و رحیم شاطری فرزند تقی محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نماید. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۸/۴سه‌شنبه
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰/۸/۲۰ پنج‌شنبه

روانبخش قنبری - رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۰۶۰۳۲۹۰۲۱۰۰۰۲۰۲ مورخ ۱۴۰۰/۷/۱۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک سمنان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای رجبعلی طاهریان فرزند حسن به شماره شناسنامه ۳۰۷ صادره از در مقدار ۳ دانگ مشاع از ششدانگ یک باب اطاق فوقانی به مساحت ۱۶/۶۱ متر مربع پلاک شماره ۴ فرعی از ۳۸۴۲ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک اصلی مرقوم واقع در بخش یک سمنان خریداری از مالک رسمی وراث مرحوم ابوالقاسم رستمی محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۸/۴سه‌شنبه
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰/۸/۲۰ پنج‌شنبه

روانبخش قنبری - رئیس ثبت اسناد و املاک